

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفدهم، شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

بررسی ساختار آیینی و اساطیری قدمگاه در جیرفت*

یوسف فاریابی (نویسنده مسئول)^۱

معصومه برسم^۲

محبوبه امیرانی پور^۳

چکیده

در جهان اسلام قدمگاه‌های زیادی با عناوین مختلف وجود دارد که همواره مورد احترام عامه مردم هستند و معمولاً جهت نیایش، حاجت‌خواهی و یا تدفین مردگان به این اماکن می‌روند. قدمگاه‌ها در باورهای اعتقادی و اساطیری ساکنان حوزه جیرفت جایگاه ویژه‌ای دارند. پلان قدمگاه‌ها به شکل مربع یا دایره و سقف آنها گنبدی و درب ورودی آنها کوتاه و رو به آفتاب است. هدف از این مقاله بررسی روند شکل‌گیری قدمگاه‌ها و ریشه‌یابی باورها و عقاید اساطیری در جیرفت است. پرسش اصلی این است که کارکرد اساطیری و آیینی قدمگاه‌ها و زمینه شکل‌گیری آنها در حوزه تمدنی جیرفت چگونه است؟ روش گردآوری اطلاعات «اسنادی و میدانی» و روش پژوهش «توصیفی و تحلیلی» است. این تحقیق نشان می‌دهد که ساختار آیینی و اساطیری قدمگاه‌ها در این حوزه برگرفته از باورهای پرستش و احترام به عناصر طبیعت نظیر آب، آتش و خاک، درخت، سنگ و... است.

واژه‌های کلیدی: قدمگاه، ساختار آیینی و اساطیری، جیرفت.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۰۹
yosof.faryabi@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶
نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

۱. مقدمه

جوامع دینی و آیینی به طور معمول، اماکن مقدّسی دارند که دارای نمادها و نشانه‌های اساطیری و مذهبی هستند. این اماکن زیارتی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی فراوانی دارند. علل و عوامل بسیاری، افراد را به سمت این اماکن مقدس سوق می‌دهند که شاید انبساط خاطر از فضای معنوی، ایجاد آرامش و پالایش روحی با انجام آداب زیارت، از مهم‌ترین عوامل شمرده می‌شود، اینجاست که مکان مقدس با دین و آیین، ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند.

۱-۱. شرح و بیان مسئله

قدمگاه از آنچه به ذهن می‌آید، معنایی وسیع‌تر دارد. قدمگاه، به معنای «جای نهادن قدم؛ جایی است که پای پیامبری یا امامی یا ولی به آنجا رسیده باشد. جاهایی که اثر پایی در سنگ و جز آن پدیدار است (خان‌محمدی و مؤذّن، ۱۳۹۴: ۹). در زبان عربی کلمه «مقام»، معادلی برای قدمگاه است. لسان‌العرب، دو معنای «اقامت» و «جای ایستادن» را برای آن آورده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۹۸).

قدمگاه‌ها کارکردهای زیادی در باورهای مردم جیرفت دارند که علاوه بر حاجت‌خواهی، مکانی برای تدفین مردگان و انجام مراسم قربانی هستند. به نظر می‌رسد که معماری قدمگاه‌ها از دیرباز تاکنون سیر تحوّلی خاص خود را داشته‌اند و با توجه به باورهای زرتشتی و اسلامی شکل گرفته‌اند. در این پژوهش تلاش می‌شود با توجه به قدمت تاریخی و فرهنگی حوزه جیرفت، ساختار آیینی و اساطیری قدمگاه‌ها در این منطقه بررسی شود.

شهرستان جیرفت با وسعت حدود ۸۶۰۰ کیلومتر مربع معادل ۴/۶۵ درصد استان کرمان را به خود اختصاص داده است. این شهرستان از شمال به شهرستان کرمان، از جنوب به شهرستان کهنوچ و شهرستان فاریاب، از شرق به شهرستان بم و از غرب به شهرستان بافت مشرف است (بنی‌اسدی، ۱۳۹۰: ۲۳).

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون اظهارنظرهای مختلفی راجع به قدمگاه، زیارتگاه یا امامزاده‌های مربوط به اهل تشیع ارائه شده است که به دلیل حضور امام رضا (ع) و خاندان او در ایران اغلب این مطالعات مربوط به این مکان‌ها است که محدوده مکانی این قدمگاه‌ها بیشتر مسیر مهاجرت این حضرت از مدینه به مرو و سپس توس را در بر گرفته، سعی در تحلیل هویت این بناها دارد، از طرفی نیز نمونه‌های زیادی از زیارتگاه‌ها با منشأ قدمگاهی در ایران وجود دارند که هویت و پیشینه تاریخی شکل‌گیری آنها به درستی مشخص نیست. نویان در مقاله‌ای

تحت عنوان «چشمه‌ها، قدمگاه‌ها و درختان نظر کرده» تعدادی قدمگاه و درخت با کاربرد اعتقادی و مذهبی مورد بررسی قرار داده است (رک: نویان، ۱۳۸۰). در کتاب تاریخ جیرفت و کهنوج به طور خلاصه به اماکن زیارتی جیرفت اشاره شده است (صفا، ۱۳۹۰)؛ اما در هیچ یک از منابع موجود به بررسی ساختار آیینی و اسطوره‌ای قدمگاه‌ها پرداخته نشده است. از این منظر این مقاله جدید و نو است.

۱-۳. ضرورت انجام پژوهش

حوزه تمدنی جیرفت از دیرباز تاکنون بستر فرهنگی آداب و رسوم مختلفی بوده است. در این پژوهش سعی بر این است تا زمینه‌های شکل‌گیری آیین‌ها و باورهای اساطیری مربوط به قدمگاه بررسی شود تا در گذر زمان رو به فراموشی سپرده نشود و از نتایج آن می‌توان در پژوهش‌های مردم‌شناسی و باستان‌شناسی بهره برد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. پیشینه قدمگاه‌ها در ادیان جهان

نمونه بسیاری از زیارتگاه‌ها را با منشأ قدمگاهی، در ادیان مختلف می‌توان دید. در آیین یهود می‌توان از زیارتگاه «سارا بت آش» در نزدیکی اصفهان نام برد (هرتسفلد، ۱۳۵۴: ۲۷۸). این مکان به عنوان سارا خاتون مورد توجه کلیمیان است و به عنوان قدمگاه زیارت می‌شود.

در میان مسیحیان نیز می‌توان از زیارتگاه مریم مقدس مانند قدمگاه «فاتیما» نام برد. در آیین زرتشت می‌توان از زیارتگاه «پیرهریشت» در نزدیکی اردکان نام برد که هر ساله هجدهم فروردین‌ماه برای زیارت به این محل می‌آیند و در قسمتی از کوه که محل غیبت بوده، همواره آتشی روشن است (افشار، ۱۳۵۴: ۶۲). بسیاری از قدمگاه‌های جهان اسلام نیز به پیامبران بنی‌اسرائیل منسوب و نزد پیروان هر سه دین یهود و مسیحیت و اسلام محترم بوده‌اند.

مقام ابراهیم در مکه نیز به عنوان قدمگاه زیارت می‌شده است. قدمگاه‌های دیگری به متوشالم، اسحاق، یعقوب، ایوب، ادریس، موسی و عیسی علیهم‌السلام در ایران و سوریه و فلسطین منسوب بوده است (مشهدی‌نوش آبادی، ۱۳۹۲: ۷۱۹۵). در ایران، برخی قدمگاه‌ها بقایای بازآفرینی‌شده زیارتگاه‌های پیش از اسلام‌اند، چنان‌که زرتشتیان نیز در کنار مسلمانان برخی از آنها را زیارت می‌کنند. برخی از این قدمگاه‌ها مانند قدمگاه مسجد جامع قدیمان نایین و قدمگاه علی در جهرم در اصل آتشکده یا آتشگاه‌های زرتشتی بوده‌اند.

قدمگاه‌های اسلامی در هند نیز بسیار مورد توجه‌اند و غالباً بناهایی که برای نگهداری آنها احداث شده‌است، از بناهای قدمگاهی دیگر مناطق جهان اسلام، مفصل‌تر و مجلل‌تر هستند.

در هند معمولاً باور این است که سنگ‌هایی با این نقش‌ها را از حجاز به هند آورده‌اند. قدم رسول لکهنو و قدم شریف دهلی از قدمگاه‌های مشهور نبوی در هند هستند. قدمگاه‌ها به امامان و اولیای شیعه منسوب‌اند. در بصره سیزده قدمگاه منسوب به حضرت علی وجود داشته‌است. از میان انبوه قدمگاه‌های منسوب به علی علیه‌السلام در ایران در برخی از آنها جای سُم دلدل (اسب آن حضرت) یا جای نیزه یا شمشیر (ذوالفقار) ایشان مورد توجه است و گاهی هیچ نشانه‌ای هم وجود ندارد (مشهدی‌نوش آبادی، ۱۳۹۱: ۷۱۹۵).

۲-۲. پیشینه قدمگاه در ایران

هجرت امام رضا از مدینه به مرو و مهاجرت سادات به نقاط مختلف ایران، خواب و رؤیا و عشق مردم به خاندان پیامبر (ص) از علل ساخت قدمگاه‌ها در ایران است (سعیدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۱۸). برخی قدمگاه‌های ایران مربوط به اواخر حکومت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق) قرن هفتم قمری است اما بیشتر بناهای قدمگاهی مربوط به دوره صفویه است. از این دوره بناهای قدمگاهی در ایران افزایش یافته‌است، زیرا نگرش صفویه به قدمگاه مقدس بود و از توسعه آن برای ترویج مکتب تشیع استفاده می‌شد (همان، ۲۱۹). بنا به آماري که در سال ۱۳۷۵ منتشر شده، در ایران ۱۱۸۵ قدمگاه و نذرگاه بوده‌است (میرمحمدی، ۱۳۵۸: ۶۳-۷۳) بیشتر این قدمگاه‌ها در استان‌های کرمان، هرمزگان، خوزستان و خراسان قرار دارند (سعیدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

۲-۳. معماری قدمگاه‌ها در جیرفت

ساختار معماری قدمگاه در این منطقه، با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی شکل گرفته است و معمولاً از مصالحی چون سنگ، خشت خام، آجر، کاهگل استفاده شده‌است. از نظر شیوه ساخت و کاربرد مصالح دو دسته‌اند:

۲-۳-۱. قدمگاههای سنگی روباز

در مناطق کوهستانی قدمگاه‌ها ساده و اغلب از سنگ به شکل روباز ساخته شده‌اند. در این شیوه سنگ‌ها را بدون ملات بر روی هم به فرم دایره چیده‌اند که ارتفاع آن به یک متر می‌رسد که بدون سقف هستند (تصویر ۱). ورودی آنها به سمت آفتاب است و در سمت قبله پیه‌سوزهایی روی تخت‌گاه سنگی قرار دارد که مخصوص روشن کردن آتش در فضای باز است (تصویر ۲). در دنیای قدیم، در میان انسان‌ها خیال‌پردازی و پرورش

تصورات ذهنی و برقراری رابطه و نسبت میان مجردات و مفاهیم معنوی با عوارض طبیعی و موجودات و اشیای مادی بسیار قوی تر و رایج تر از امروز بود و ذهن آنان همواره می‌کوشید میان اجرام آسمانی، عناصر طبیعی، گیاهان، جانوران، فلزات، رنگ‌ها و سنگ‌های رنگین و گرانبها وجوه مشابهت و روابطی کشف و برقرار سازد و از این رابطه‌ها برای بیان اعتقادات و ایمان خود مدد گیرد (دادور و برازنده، ۱۳۹۲: ۲۱۹).

بشر ابتدایی از سنگ‌ها جهت ساختن ابزار یا سرپناه موقت و یا معبد استفاده کرده‌است. سنگ‌ها با راز زنده‌ای که در خود دارند، انسان‌ها را مسحور خود می‌کنند. انسان از همان دوران نخستین سنگ‌ها را جمع‌آوری کرده‌است و پاره‌ای از آنها محتوای نیروی زندگی با تمام رموز و راز هستند؛ مثلاً ژرمن‌ها بر این باور بودند روح مردگان در سنگ‌های آرامگاه‌شان به زندگی ادامه می‌دهند. شاید رسم گذاشتن سنگ روی گور بیانگر این انگاره نمادین باشد. از مرده چیزی جاودانه بر جای می‌ماند و سنگ می‌تواند بهترین نمود آن باشد، زیرا اگرچه موجود بشری یکپارچه با سنگ تفاوت دارد اما از پاره‌ای جهت در باطن به گونه‌ای حیرت‌بار به آن خویشی دارد.

از این زاویه شاید سنگ نماد ساده‌ترین و ژرف‌ترین تجربه باشد؛ تجربه چیزی ازلی که انسان در لحظاتی که احساس جاودانگی و ماندگاری ابدی می‌کند می‌تواند داشته باشد. سنگی که یعقوب در محل خواب مشهور خود گذاشت و یا سنگ‌هایی که مردم ساده بر روی آرامگاه قدیسین یا قهرمانان محلی می‌گذارند، نشان‌دهنده نیاز بشر به بیان تجربه‌های بیان‌ناشدنی سنگ است. شگفت‌آور نیست اگر در بسیاری از ادیان سنگ از خدا یا محل نیایش نشانی دارد (یونگ، ۱۳۷۸: ۳۱۴).



تصویر ۱. قدمگاه سنگی رویاز: قدمگاه ابوالفضل در اسفندقه جیرفت تصویر ۲. پیه سوزهای قدمگاه (نگارندگان)

۲-۳-۲. قدمگاه‌های گنبدی سر پوشیده

در مناطق روستایی و جلگه‌ای جیرفت، ساختار قدمگاه‌ها یک روند متغیر دارد و پلان اغلب آنها به صورت مربع، دایره یا چلیپا است. عموماً دو تا سه روزنه مثلثی شکل در جهات شمال، جنوب، غرب آنها قرار دارد. زیربنای هر زیارتگاه تقریباً حدود چهار الی شش متر مربع است (تصویر ۳). درب ورودی آنها به سمت طلوع آفتاب قرار گرفته است و مانند ورودی زورخانه ارتفاع آنها بسیار کم است تا زائر غرور و تکبر خود را کنار بگذارد و از ابتدا با خضوع و خشوع وارد شود (تصویر ۴). سقف آنها مسطح نیست و اغلب حالت گنبدی هستند. ساختار معماری قدمگاه‌ها به همراه^۱ شباهت دارد و مانند آنها سه روزنه جهت ورود نور دارند (تصویر ۵). ساختار اغلب قدمگاه‌ها ترکیب مربع و دایره است. فرم دایره بر روی مربع نماد اتصال زمین و آسمان است. احداث گنبد بر روی بنای چهارگوش اساس معماری بناهای دینی آتشکده‌ها است. فرم چهارگوش با گنبدی بر فراز آن در بناهای دینی زرتشتی تداعی کننده حضور فرّه ایزدی در این بناها است. شکل بنا تمثیلی از گذر زمین به سوی آسمان است. گنبد نمادی از آسمان و محلی برای نزدیک شدن به جهان مینوی است که جایگاه اهورامزدا و نیروهای مقدس است و شکل چهارگوش یا پایه گنبد که در زیر این فضای مقدس قرار گرفته است نیز بر این باور، تقدس بیشتری داده است (دادور و برازنده، ۱۳۹۲: ۴۱۴).

اگر مربع نماد و معرف زمین، ماده، تجسم و حدود است، دایره نماد آسمان، بیکرانگی، کمال و تمامیت است. در فرهنگ شرقی اتحاد و هم‌نشینی این دو شکل با اصطلاح ماندالا

پیوند دارد. ماندالا اصالتاً لفظی سانسکریت و از نظر لغوی به معنی دایره است. همین اصطلاح در زبان فارسی به مندرله یا مندل تبدیل شده است و در این فرهنگ به معنی دایره‌ای است که افسونگر هنگام خواندن دعا به دور خود می‌کشد (بلخاری قهپی، ۱۳۹۰: ۲۶۲). طرح ماندالا چه در معماری کلاسیک و در معماری انسان‌های بدوی هرگز تابع ملاحظات اقتصادی و زیباشناسی نبوده است بلکه تبدیل شهر به نمایه‌ای از جهان منظم بوده است. مکانی مقدس که با مرکز خود به جهان دیگر مربوط می‌شده و این طرح با احساسات حیاتی نیازهای بشری مطابقت داشته است.

قدمگاه یا زیارتگاه‌های حوزه تمدنی جیرفت اغلب بر اساس فرم دایره (ماندالا) و یا مربع بدون تزئینات ساخته شده‌اند. هر بنای مذهبی یا غیرمذهبی که بر مبنای طرح ماندالا ساخته شده، فرافکنی تصویر کهن‌الگویی از ناخودآگاه به جهان خارج است، شهر، قلعه و یا معبد، هر کدام نماد وحدت روانی می‌شوند و بدین‌سان بر روی افرادی که وارد آنها می‌شوند و یا در آنها زندگی می‌کنند تأثیری خاص می‌گذارد (یونگ، ۱۳۷۸: ۳۷۱).

فضای زیارتگاه‌های این حوزه معنوی و اثرگذار هستند؛ به گونه‌ای که هر فردی وارد این مکان می‌شود، با ذکر دعا و نیایش به یک وحدت درونی می‌رسد. در اطراف قدمگاه‌ها درختان کهنسال نظیر گنار، بنه و غیره وجود دارد که در باورهای عامیانه به دلیل تقدس هیچ‌گاه شاخ و برگ آنها را نمی‌شکنند و یا نمی‌سوزانند. گاهی اوقات از میوه و یا برگ‌های آنها به عنوان عنصر شفابخش بهره می‌گیرند، جهت برآوردن آرزوها و حاجات خود اشیایی نظیر انگشتر، تسبیح، سنجاق، قفل بر شاخه‌های درخت آویزان می‌کنند و یا تکه پارچه‌های رنگی، مانند رنگ سبز بر شاخه‌ها گره می‌زنند که به این عمل دخیل‌بستن می‌گویند (تصویر ۶).

دخیل‌بستن نوعی ارادت به زیارتگاه و طلب مراد و مقصود است. زنان نازا به امید بچه‌دار شدن عروسک کوچکی تحت عنوان «لوپت» در داخل زیارتگاه قرار می‌دهند و یا مقداری از گیسوان خود را جدا کرده، به شاخه‌های درخت کهنسال آویزان می‌کنند و این مسئله به نیروی رازآمیز درختان ارتباط دارد و همواره مردم به نیروی باروری درختان تمسک می‌جویند. درختان قدمگاه از جنس جنگلی یا خودرو کوهی هستند که به باور مردم بریدن شاخه آنها گناه محسوب می‌شود و اعتقاد دارند که چوب این درختان را نباید در منازل بسوزانند و همچنین پرندگان را که بر شاخسار آنها می‌نشینند نباید شکار کرد (مهرالزمان، ۱۳۸۰: ۷۹).

علاوه بر درختان، پنجه فلزی داخل قدمگاه دارای قداست ویژه‌ای است که نخ‌های سفید و سبز برای طلب حاجت بر آن گره می‌زنند. پنجه دست راست در فرهنگ‌ها و ادیان مردم بسیاری از سرزمین‌های جهان، به سبب دربرداشتن پنج‌انگشت همچون عدد پنج نیروی جاودانه و مقدس یافته و مظهر قدرت، شوک، عدالت، پاکی و راستی به شمار رفته است (بلوک‌باشی، ۱۳۵۶: ۱۳). در قدمگاه‌های حوزه جیرفت پنجه فلزی نمادی از پنج تن آل‌عبا و مقدس شناخته می‌شود و به عنوان طلسم به آن دخیل می‌بندند.



تصویر ۴. درب ورودی قدمگاه



تصویر ۳. نمونه‌ای از قدمگاه‌های سرپوشیده در جیرفت



تصویر ۶. دخیل بستن



۵. روزنه قدمگاه (عکس از نگارندگان)

۲-۴. ساختارهای آیینی و اساطیری قدمگاه

باورها و آیین‌های باستانی در بافت اسطوره و تاریخ سرزمین‌ها ریشه دارند. وقتی سخن از بافت فرهنگ کهن می‌آید، بدون تردید ذهن و افکار انسان متوجه ساخت اسطوره‌ای آن فرهنگ می‌شود. عقاید و باورهای هر ملتی از چشمه‌های زلال اسطوره‌ها و نمادهای فکری سیراب گردیده و شکل می‌گیرد (معصومی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). نمود باورهای آیینی و اساطیری در قدمگاه‌ها و اماکن مقدس دیده می‌شود. مکان‌های مقدس، از دو جنبه تقدس می‌یابند: یا خودشان دارای ارزش وجودی‌اند یا به علت واقعه‌ای خاص مانند حضور انسانی مقدس، اعم از پیامبر، امام، امامزاده یا اولیای الهی، جنبه تقدس گرفته‌اند. در هر دو مورد انسان دیندار آن مکان را نمونه‌ای از تجلی قدسی می‌داند. این اماکن در سراسر جهان تحت عنوان معابد، کلیساها، حرم‌ها و ... نام گرفته‌اند و زیارت آن‌ها امری معمول و پسندیده است (خان‌محمدی؛ مؤذن، ۱۳۹۴: ۸).

احداث بیشتر قدمگاه‌ها مبتنی بر این ادعا بوده که شخصی، یکی از پیامبران و معصومان را به خواب دیده یا به اشاره ایشان یا با تصمیم شخصی خود، آن مکان را قدمگاه خوانده است. عمده این قدمگاه‌ها نیز در کنار چاه، چشمه و درختان قرار گرفته‌اند و خود این منابع طبیعی نیز به زعم باورمندان، محصول لطف و عنایت صاحبان آن جای پاهای مقدس‌اند (ابن بطوطه، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۷: ۶۱۱-۶۱۲). بیشتر مکان‌های مقدس در جاهای بلند و مرتفع قرار دارند که دسترسی به آنها مستلزم تحمل سختی و صرف وقت است. این از ویژگی فرهنگ ایرانی است که خدایان را در مکان‌های مرتفع جستجو می‌کردند. در واقع هر چه به آسمان نزدیک‌تر می‌شوند به مظاهر تقدس دسترسی بیشتری دارند (مهرالزمان، ۱۳۸۰: ۷۹).

۲-۴-۱. آداب زیارت

در حوزه جیرفت، آداب زیارت و گرفتن مراد و مطلب از پیر مورد نظر در غروب روزهای پنجشنبه به صورت خانوادگی یا قبیله‌ای طبق آیین‌های خاصی برگزار می‌شود. نظافت جسم، خضوع و سلام‌دادن به قدمگاه، طواف کردن، نماز خواندن، دعا کردن، روشن کردن شمع و برداشتن خاک نذری از حفره زیر محراب از آداب‌های ویژه زیارت کردن در این حوزه است. زیارتگاه‌های متعددی نظیر حضرت امیر، ابوالفضل، پیرچوگان در روستای خاتون‌آباد، پیرصافی روستای شریف‌آباد جیرفت، چهارپیر (بحر آسمان)، بابا خالص در روستای گنارزاغان عنبرآباد، شیخ‌بختیار و امام‌علی در دلفارد، شعیب و امام‌رضا در بهجرد، زیارت قنبر (غلام‌علی) در روستای قلعه کوچک، زیارت مرتضی‌علی روستای حسین‌آباد دهدار جیرفت، بی‌بی‌شهربانو و ده‌ها زیارتگاه‌های دیگر

وجود دارد که مورد توجه و احترام مردم هستند. در تعدادی از آنها مقبره‌ای وجود ندارد مردم بر اساس اعتقادات مذهبی این اماکن را بنا نهاده‌اند (صفا، ۱۳۹۰: ۲۵۵). آداب زیارت در همه آنها یکسان است؛ بجز زیارت بی‌بی‌شهربانو که فقط زنان حق حضور در این مکان دارند.

عمده‌ترین کارکرد این مکان‌ها حاجت‌خواهی است. مردم وقتی از همه‌جا ناامید می‌شوند به این مکان‌ها روی می‌آورند. عمده‌ترین حاجت‌ها، نذر است که نیازخواهان بعد از اینکه حاجت‌شان برآورده‌شد، آنچه را که نذر کرده‌اند در کنار این اماکن انجام می‌دهند؛ بنابراین برای نیازخواهی به زیارت می‌روند، نماز می‌خوانند و دخیل می‌بندند. شمع و چراغ می‌افروزند، قربانی می‌کنند، آش و انواع خوراکی می‌پزند و پخش می‌کنند، سفره ندری می‌اندازند و مجلس روضه برپا می‌کنند (نویان، ۱۳۸۰: ۷۸).

باورمندان، جای پای موجود در قدمگاه‌ها را می‌بوسند و به آن تمسک می‌جویند، از جای پا یا از اجزای طبیعی یا مصنوعی متصل به قدمگاه، چون آب چشمه و چاه یا درختان، حاجت و شفا می‌طلبند. گاه مردگان خود را در محوطه قدمگاه دفن می‌کنند؛ بر قدمگاه، درخت، کاروانسرا، زائرسرا و جز اینها وقف می‌کنند (ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۵۱).

مکان مقدس، مکان ارتباط با موجودات الهی است و از این جهت مأوای قدرت الهی به‌شمار می‌رود؛ به طور مثال در بسیاری از ادیان، بین زیارت اماکن مقدس و شفای بیماری‌های روحی و جسمی ارتباط نزدیکی وجود دارد و این نشانگر ارتباط با قدرت الهی در اماکن مقدس است (خان‌محمدی و مؤذن، ۱۳۹۴: ۳۱). قداست در اماکن مقدس، از مکان و صاحب مکان به اشیاء منتقل می‌شود. اشیائی که در قدمگاه هستند نیز به نوعی قداست می‌یابند. در حوزه جیرفت، مردم جهت حاجت‌خواهی، نظیر طلب فرزند، شفای بیماران، یادگیری یک حرفه، طلب خوشبختی برای عروس و داماد، به قدمگاه می‌روند و در صورت حاجت‌روایی، نذر خود را ادا می‌کنند. دیوار قدمگاه‌ها، مملو از عروسک‌ها، قالیچه‌ها و گیسوی زنان است که هر یک نمادی از آمال و آرزوهای مردم در فرهنگ عامه هستند. زنانی که قصد دارند قالی‌بافی یاد بگیرند، با بافتن قالیچه‌ای کوچک از خداوند درخواست می‌کنند که آنها را در این راه یاری کند و زنانی که عروسک یا گیسوی خود را آویزان می‌کنند، از خداوند طلب فرزند دارند (مصاحبه حضوری، اشرف شعبانی، ۱۳۹۵).

۲-۴-۲. اعتقاد به مانا و پرستش توتم

در نزد اقوام کهن همه چیز جاندار بود و جمادات روح پنهانی داشتند که به آنها مانا^۲ می‌گویند. مانا می‌توانست از اشیا به انسان منتقل شود؛ لذا برخی از اشیا چون سنگ‌های مرموز مثلاً شهاب‌سنگ‌ها قداست و احترام داشتند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۴۵). مانا در موجودات مختلف تجسم می‌یابد و اثرش در قوای فیزیکی و مادی اشیا بروز می‌کند و در عین حال معرف نیرویی غیر از واقعیت موجودات است. آنچه را که در بین اعراب به نام برکت در اشیا موجود است، صوری از اعتقاد به ماناست. قدرت توتمی نیز نوعی اعتقاد مانایی است؛ بدین معنی که در توتم قدرت و نیروی بالاترو ثابت‌ترو مؤثرتر از آنچه در مناسک به آن نسبت می‌دهند، وجود دارد و همین اعتقاد خاصیت مقدس بودن را به توتم بودن بخشیده‌است (واحددوست، ۱۳۸۱: ۲۳).

در میان اقوام بدوی هرگونه سنگی از خرد گرفته تا تخته‌سنگ در اماکن مختلف به نحوی مورد ستایش و پرستش قرار می‌گیرد. گاهی یگانه و منفرد، گاهی مجموع، گاهی جنس آن، گاهی شکل آن و گاهی ترکیبی از آن محل توجه است؛ گاهی آن را به دست انسان ساخته و پرداخته‌اند و گاهی آن را به صورت طبیعی می‌پرستند. هم‌اکنون طوایف آفریقا، اقیانوسیه، هند، ژاپن، سرخپوستان امریکا همه آلات و ادوات سنگی خود را محترم شمرده، ستایش می‌کنند (بی‌ناس، ۱۳۷۰: ۱۱).

در قدمگاه‌های حوزه جیرفت، شکل‌های اولیه پرستش و احترام به سنگ‌ها، درختان و عنصر آتش دیده می‌شود. در نقطه مرکزی قدمگاه سکویی مستطیل‌شکل قرار دارد که در اصطلاح عامیانه به آن محراب یا موبک می‌گویند. محراب کانون اصلی تقدس و نیایش زیارتگاه است. در چهار سوی آن چهار عدد سنگ گرد و سوراخ به رنگ‌های سیاه و یا سفید وجود دارد (تصویر ۷)، که زائر هنگام ورود ضمن طواف کردن به دور محراب، سنگ‌ها را می‌بوسد و شمع روشن می‌کند، سپس از حفره زیر محراب اندکی خاک نذری به عنوان تبرک جهت شفا در آب ریخته، سپس می‌نوشند. جهت برآورده شدن حاجات بر یکی از چهارسنگ سوراخ محراب، تکه‌های پارچه یا نخ می‌بندند. به این کار در اصطلاح عامیانه «زهنار بستن» می‌گویند (مصاحبه حضوری، شعبانی، ۱۳۹۵)، (تصویر ۸).

بوسیدن سنگ‌ها به مسئله آنمیسم (جان‌پنداری) برمی‌گردد. در نزد اقوام کهن جمادات نظیر سنگ‌ها و آب‌ها دارای روح پنهانی (مانا) بوده که می‌توانستند از این اشیا به انسان منتقل شوند؛ به همین منظور دارای قداست و احترام ویژه بوده‌اند. این مسئله شاید به نوعی تداعی‌گر اجتماعی باشد که این عناصر به خاطر تقدس، قوانین ویژه‌ای می‌یابند. این

مسئله را می‌توان بدین گونه توضیح داد که تقدس، امری مسری است؛ یعنی یک شیء یا مکان مقدّس می‌تواند به سبب مجاورت و نزدیکی با شیء دیگر، آن را نیز مقدّس کند (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۶).

در باورهای عامه مردم جیرفت، افراد ظالم را با آتش مورد لعن و نفرین قرار می‌دهند و یا برای دور کردن حسادت و چشم‌زخم، مقداری نمک پس از طواف دادن به دور افراد روی آتش می‌ریزند تا بلا رفع شود (مصاحبه حضوری، محمد لورگی، ۱۳۹۵) و این مسئله به قدرت مانایی آتش اشاره دارد.



تصویر ۷. محراب یا موبک و چهار سنگ سورخ (عکس از نگارندگان) تصویر ۸. زهار بستن بر سنگ

۲-۴-۳. قربانی کردن

قربانی کردن به‌طور معمول در اغلب ادیان وجود دارد. قربانی دادن یک عمل مذهبی و مقدّس، در حکم هدیه‌ای بود که به خدایان تقدیم می‌شد تا با آنان آشتی کنند و یا عنایت آنها را به خود جلب کند. قربانی دادن در مذبح، قسمت اصلی مناسک مقدّس باستانی بوده و در همه مذاهب نقش واحدی داشته‌است. همه چیز گواهی می‌دهد که در روزگاران اولیه قربانی دادن یک عمل اجتماعی و دوستانه میان خدایان و پیروان آنها بوده‌است.

قربانی معمولاً شامل چیزهایی بود که قابل خوردن و آشامیدن بود. انسان چیزی را قربانی خدایان می‌کرد که خود از آن تغذیه می‌نمود و قدیمی‌ترین شکل قربانی همانا حیوانی بود که گوشت و خون آن را خدایان مشترکاً مصرف می‌کردند. غذای قربانی یک خوردن و آشامیدن دسته‌جمعی و نشانه تقویت پیوند اجتماعی بود (زیگموند، ۱۳۹۰: ۲۰۱). در آیین میترائیسم قربانی کردن چهارپایانی نظیر گاو، گوسفند مرسوم بوده و این قربانی به منظور جاودانگی و حفظ آتش صورت می‌گرفته‌است. بعد از اسلام قربانی کردن منسوخ نشد بلکه شکل و رنگ مذهبی به خود گرفت. در واقع قربانی طی چهار عمل به ترتیب

انجام می‌شود که عبارتند از: عرضه و تقدیم، تقدس و تبرک کردن، طلب استمداد و فراخونی، ذبح یا کشتار (الیاده، ۱۳۹۳: ۳۱۸). قربانی‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند یک نوع را به عنوان قربانی شخصی یا فردی و نوع دیگر را قربانی جمعی یا اشتراکی می‌نامند. این دو اصطلاح نمایانگر اختلاف شکلی یا ظاهری است میان قربانی‌هایی که برای فرد اهدا می‌شود، با قربانی‌هایی که از طرف گروه‌های اجتماعی انجام می‌شود که مقصود و هدف آنها با هم تفاوت دارد؛ یعنی اولی اصولاً به منظور کسب شفاعت یا کفاره‌دادن انجام می‌شود و دومی برای تأیید یا اثبات و استقرار چیزی است. مقصود اصلی قربانی‌های جمعی نیز کارکرد اصلی آنها برای تأیید و تثبیت کردن، برقرار ساختن یا قدرت‌بخشیدن به تغییری در وضعیت اجتماعی است. در عمل قربانی، ییگ yiegh یا جان و حیات سهم خداوند است. رینگ ring یا گوشت و خون یا به عبارت بهتر آنچه پس از ذبح قربانی باقی می‌ماند، سهم انسان است (همان: ۳۱۴ و ۳۱۸).

در حوزه جیرفت، به منظور برآورده شدن حاجات و رفع بلا، گوسفندی را در کنار قدمگاه قربانی می‌کنند. آن را به مذبح (قربانگاه) می‌برند، قربانگاه در قدمگاه‌های این حوزه، فرم دایره‌ای دارند که یک سنگ سفید به صورت عمودی در وسط آن قرار دارد و شیخ قدمگاه پس از خواندن اوراد مخصوص، با نفس خود به لبه چاقو می‌دمد، سپس به حیوان آب می‌دهند و آن را ذبح می‌کنند. حیوان نذری به سمت قبله به گونه‌ای ذبح می‌کنند که خون آن به سنگ سفید مرکز قربانگاه بریزد. این سنگ در واقع مشخص‌کننده جهت قبله است (مصاحبه حضوری، مراد فاریابی، ۱۳۹۵)، (تصویر ۹).



تصویر ۹. قربانگاه و سنگ مرکزی (عکس از نگارندگان)

۲-۴-۴. چراغ سوزاندن

آتش جزو نخستین عناصری است که انسان پیش از تاریخ به آن اندیشیده و برای شناختش تلاش کرده و حتی به تصویرپردازی این عنصر پرداخته است. خیالپردازی در مورد آتش دو گونه است: هم شامل باورهای قلبی و هم در بردارنده دانش واقعی و عینی است. آتش تنها پدیده‌ای که گردآورنده خیر و شر است هم در بهشت می‌درخشد و هم در دوزخ می‌سوزد؛ از این رو آتش یکی از اصول توجیه و شناخت عالم است؛ چون هم در درون انسان و موجودات وجود دارد و هم در طبیعت و جهان خارج. این گونه خیالپردازی در مورد آتش، بیان‌کننده هنجاری است که در آن امید به زندگی و ترس از مرگ به هم آمیخته‌اند. آنچه فانی است در شعله‌های آتش می‌سوزد اما این نابودی بیانگر اندیشه جاودانگی و بقاست (باشلار، ۱۳۶۴: ۹۰ و ۲۵-۲۶؛ پیرایار، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۰).

شکل خاص شعله که می‌کوشد با تکاپو به بالاترین نقطه ممکن برسد، به بشر قدیم تلاش و تکاپو می‌آموخت و پیشرفت و حرکت را گوشزد می‌نمود. آتش از بین‌برنده آلودگی‌هاست به ما می‌آموزد که انسان باید در طول زندگی پلیدی‌ها و بدی‌ها را نابود کند و تا حد توان بکوشد خود را پاک نگه دارد (فروزان کیا و استاجی، ۱۳۸۹: ۸۴۹). آتش از دیرباز تاکنون در باورهای عامه مردم حوزه جیرفت جایگاه خاصی دارد. آیین‌ها و باورهای نظیر، سوگند خوردن، نفرین کردن، تبرک دانستن اجاق، بیرون‌دادن آتش از خانه در روزهای خاص، نریختن آب دهان بر آتش، دود کردن اسپند، ریختن نمک در آتش، زاغ‌سوزاندن و چراغ‌سوزاندن در قدمگاه‌ها اشاره کرد.

در قدمگاه‌های این حوزه روزهای آخر هر هفته (بعد از ظهر پنج‌شنبه) فردی سالخورده معروف به شیخ^۳ در طاقچه سمت قبله و یا بیرون قدمگاه آتش روشن می‌کند (تصویر ۱۰). شیخ‌ها علاوه بر روشن کردن آتش، محیط قدمگاه را تمیز می‌کنند. بعد از مرگ هر شیخ به طور موروثی فرزندش کار حفاظت از قدمگاه و روشن کردن آتش را ادامه می‌دهد که به این کار به اصطلاح «چراغ‌سوزاندن» می‌گویند. روشن نکردن چراغ، تمیز نکردن محیط زیارتگاه، یک امر تابو^۴ محسوب می‌شود و عقیده بر این است که اگر شیخ این اعمال را انجام ندهد، دچار بلا و مصیبت‌های عظیم می‌شود. در آیین‌ها، تابو قلمرو ممنوعه است و شکستن حد آن باعث شوربختی می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۴۴).

آتش در تفکر بشر قدیم خصلت روحانی داشته و آن حالت راهنمایی و رهبری است که وسیله اشراق است. این ویژگی آتش در ادیان گوناگون خصلت نورانی، تابناکی و درخشندگی به خود می‌گیرد. تأکید بر کلماتی چون نور، چراغ، روشنایی در ادیان پیشین

از این رهگذر قابل توجه است (فروزان کیا و استاجی، ۱۳۸۹: ۸۵۱). پرستش (سویا) قبله ایرانیان کهن و آریاییان از کهن ترین ادوار، رو به سوی نور و روشنایی قرار داشت و هرگاه می‌خواستند مراسم دینی انجام دهند یا نماز بگذارند یا خداوند را عبادت نمایند، داخل معابد به سوی آتش فروزان و خارج از معبد سوی خورشید یا ماه و یا هر روشنی دیگری می‌ایستادند و از همین رهگذر است شائبه آتش پرستی برای ایرانیان پیدا شد و آن را بسیار مقدس و محترم می‌شمردند و تجلی وجود خداوند می‌دانستند (رضی، ۱۳۷۱: ۵۵۱). ایرانیان باستان خاموش شدن آتش را مترادف با مرگ و نیستی می‌دانستند و آتشکده‌های عمومی و اختصاصی در منازل و دهات همیشه مستقل و فروزان بوده، مگر در مرگ شاه که به علامت سوگواری موقتاً خاموش می‌شده است (سامی، ۱۳۸۹: ۳۸).

در باورهای عامه مردم جیرفت افرادی که فرزند ندارند به «اجاق کور» تعبیر می‌شوند و از حضور فرزند در خانه به عنوان نور، روشنایی و برکت یاد می‌شود. نور و روشنی در دین زرتشت مظهري از نورانیت اهورامزدا، خدای یگانه شمرده می‌شود. زرتشتیان آتش را به عنوان پسر اهورامزدا و برترین و پاک‌ترین عنصر زمینی دانسته، بر مبنای ارتباط هنر و دین در ایران باستان، آتش که نمادی از نور در فرهنگ زرتشتی است، در فرهنگ و هنر ایران نمود و اهمیت زیادی پیدا کرده است (دادور؛ برازنده، ۱۳۹۲: ۴۱۴).

در ایران، برخی قدمگاه‌ها بقایای بازآفرینی شده زیارتگاه‌های پیش از اسلام‌اند؛ چنان‌که زرتشتیان نیز در کنار مسلمانان، برخی از آنها را زیارت می‌کنند. برخی از این قدمگاه‌ها در اصل آتشکده یا آتشگاه‌های زرتشتی بوده‌اند، مانند قدمگاه مسجد جامع قدیمان نایین (عرفان منش، ۱۳۷۴: ۱۱۰).

در اغلب قدمگاه‌های حوزه جیرفت، خادمان برای چراغ‌سوزاندن (روشن کردن آتش) از پیه و چربی حیوانی استفاده می‌کنند (تصویر ۱۱). به نظر می‌رسد این شیوه برگرفته از آتش زوهر است. آتش زوهر در باورهای زرتشتی عبارت است از پیه دُمبه گوسفند که در موارد خاص به آتش مقدس تقدیم می‌کردند (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۸). روشن کردن آتش در قدمگاه‌های حوزه جیرفت، بیانگر آن است که شاید این مکان‌ها در گذشته آتشکده بوده‌اند و با آمدن اسلام به محلی برای عبادت و به نام یکی از امامان نام گذاری شده‌اند.



تصویر ۱۰. محل روشن کردن آتش: فضای بیرون، قدمگاه ابوالفضل روستای حسین آباد تصویر ۱۱. پیه سوزهای قدمگاه ابوالفضل روستای تنگ سرگر اسفندقه.

۳. نتیجه گیری

فضاهای آیینی در درجه اول مکان‌هایی برای ارتباط با الوهیت هستند؛ مکان‌هایی که مردم برای اجرای مراسم عبادی به آنجا می‌روند. این کارکرد اغلب توسط نمادهایی بیان می‌شوند که نشان‌دهنده یک ارتباط بین دنیای انسان‌ها و قلمروهای برتر هستند. چنین نمادهایی ممکن است عناصر عمودی نظیر کوه‌ها، درختان، ستون‌ها و معابد باشند که از زمین رو به آسمان بالا می‌روند که نامیدن آنها به عنوان یک باور آیینی، نشان می‌دهد که ساختار و نمادهای آن بیان‌کننده ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی هر جامعه هستند که مردم در آنجا به مراسم عبادی پرداخته‌اند. فضای قدمگاه‌ها را با توجه به ویژگی و کارکردهای آن می‌توان به عنوان یک فضای آیینی و مذهبی در نظر گرفت.

فرم قدمگاه‌های حوزه جیرفت به دو شکل روباز و سرپوشیده و پلان اغلب قدمگاه‌ها، به فرم دایره، مربع، چلیپا است. سقف آنها گنبدی و درب ورودی آنها شبیه زورخانه و معابد مهری کوتاه است تا زائر هر گونه تکبر و غرور را کنار بگذارد و با خضوع و احترام وارد شود. تشرّف به مکان‌های مقدّس در غروب روزهای پنج‌شنبه طبق آیین‌های خاصی به صورت فردی یا خانوادگی انجام می‌شود. نظافت جسم، خضوع، سلام‌دادن، طواف کردن، روشن کردن شمع و... از آداب خاص زیارت در این منطقه است. عمده‌ترین کارکرد قدمگاه در باورهای آیینی مردم این حوزه، حاجت‌خواهی است و آنها برای طلب فرزند، شفای بیماران، طلب خوشبختی عروس و داماد، به قدمگاه می‌روند.

روی هم‌رفته می‌توان گفت قدمگاه‌ها کارکردهای زیادی در باورهای مردم این منطقه دارند که علاوه بر حاجت‌خواهی، مکانی برای تدفین مردگان و انجام مراسم قربانی هستند.

در اغلب قدمگاه‌های حوزه جیرفت، خادمان برای چراغ‌سوزاندن (روشن کردن آتش) از پیه و چربی حیوانی استفاده می‌کنند. روشن کردن آتش در قدمگاه‌های حوزه جیرفت، بیانگر آن است که شاید این مکان‌ها در گذشته آتشکده بوده و با آمدن اسلام به محلی برای عبادت و به نام یکی از امامان نام‌گذاری شده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. مهرابه شامل اتاقکی است با ورودی و سقف کوتاه، که در دل صخره‌ها یا زیر زمین قرار داشته و به گونه‌ای ساخته شده‌بود که فضای درونی آنها تاریک بود و در مواردی نور فضای داخلی فقط از یک یا چند روزن تأمین می‌شده‌است. سقف بیشترمهرابه‌ها قوسی‌شکل بوده و روی بعضی از آنها نقش ستارگان تصویر شده‌است. مصالح مورد استفاده در مهرابه‌ها معمولاً از آجر یا سنگ بوده‌است. کف بناها نیز معمولاً از موزاییک یا سنگ‌فرش و در موارد معدود از چوب ساخته شده‌است (سلطان‌زاده و رضایی آشتیانی، ۱۳۹۰: ۷۵).
۲. اصطلاح مانا (mana) از قبایل پلیتزی و ملانزی (معروف به مجمع‌الجزایر جنوب در اقیانوسیه گرفته شده‌است. بنا بر عقیده این اقوام، در اشیا نیروی نامرئی وجود دارد که بر نیروی مادی اشیا تسلط دارد. این نیرو را «مانا» گویند.
۳. تابو کلمه پولیتزی و مراد از آن همان دستورهای مثبت و منفی یا واجب و حرام است که در مناسک و اعمال بدان اشاره شده است (آل‌اسحاق، ۱۳۵۷: ۷۵).
۴. در باورهای عامه مردم حوزه جیرفت، شیخ‌ها، نقالان دوره‌گردی هستند که در کوچه‌ها و محلات مصائب خاندان پیامبر را نقل می‌کنند.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. آل‌اسحاق، اسماعیل، (۱۳۵۷). **بررسی مذاهب و ادیان**. جلد اول. حوزه علمیه قم.
۲. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). **لسان‌العرب**. چاپ سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
۳. ابن بطوطه (۱۴۰۷ / ۱۹۸۷). **رحله بن بطوطه**. چاپ محمد عبدالمنعم حرّیان و مصطفی تصامی. بیروت.
۴. افشار، ایرج (۱۳۵۴). **یادگارهای یزد**. تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی ایران.
۵. اقتداری، احمد. (۱۳۵۳). **دیار شهریاران** (آثار و بناهای تاریخی خوزستان). تهران: انجمن آثار ملی.
۶. الیاده، میرچا. (۱۳۹۳). **متون مقدس بنیادین از سراسر جهان**. ترجمه مانی صالحی. تهران: انتشارات فراوان.

۷. باشلار، گاستون. (۱۳۶۴). **روانکاوی آتش**. ترجمه جلال ستاری. تهران: نشر توس.
۸. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۰). **فلسفه هنر اسلامی**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. پیربایار، ژان. (۱۳۷۶). **رمزپردازی آتش**. ترجمه جلال ستاری. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۱۰. دادور، ابوالقاسم و مهتاب برازنده (۱۳۹۲). **همبودی دین و هنر در ایران باستان**. تهران: گستره.
۱۱. رضی، هاشم. (۱۳۷۱). **گاهشماری و جشن‌های ایران باستان**. تهران: انتشارات بهجت.
۱۲. زیگموند، فروید (۱۳۹۰). **توتم و تابو**. ترجمه ایرج پورباقر. تهران: انتشارات آسیا.
۱۳. سامی، علی. (۱۳۸۹). **تمدن ساسانی** (جلد اول). تهران: انتشارات سمت.
۱۴. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). **نقد ادبی**. چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوس.
۱۵. صفا، عزیزالله. (۱۳۹۰). **تاریخ جبرفت و کهنوج**. کرمان: کرمانشناسی.
۱۶. عرفان‌منش، جلیل. (۱۳۷۴). **جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (ع) از مدینه تا مرو**. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. **کرمان در یک نگاه**. (۱۳۸۵). ویرایش محمدصادق بصیری. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی
۱۸. مشهدی‌نوش آبادی، محمد. (۱۳۹۲). **دانشنامه جهان اسلام** (مدخل قدمگاه). جلد ۱، تهران: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.
۱۹. معصومی، غلامرضا. (۱۳۸۶). **اساطیر و آیین‌های باستانی**. چاپ اول، تهران: سوره مهر.
۲۰. ناصرخسرو. (۱۳۶۳). **سفرنامه**. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: زوآر.
۲۱. واحد دوست، مهوش. (۱۳۸۱). **رویکردهای علمی به اسطوره‌شناسی**. تهران: انتشارات سروش.
۲۲. هر تسفلد، ارنست. (۱۳۵۴). **تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی**. مترجم: علی-اصغر حکمت. تهران: انجمن آثار ملی.
۲۳. یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۸). **انسان و سمبل‌هایش**. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: نشر جامی.
- ب. مقالات**
۲۴. بلوکیاشی، علی (۱۳۵۶). «مفاهیم و نماد‌گاراها در طریقت قادری». تهران: **مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران**. شماره ۳، صص ۲-۲۶.
۲۵. بنی‌اسدی، علیرضا. (۱۳۹۰). «ویژگی‌های استان کرمان از دیدگاه تقسیمات کشوری و جمعیتی». **دفتر آمار و اطلاعات استانداری کرمان**، صص ۱-۱۵۳.

مجله مطالعات ایرانی / ۲۳۳

۲۶. حسینی، نغمه. (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه ایزدبانوی اشی در باورهای ایران باستان». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. شماره ۱۶. صص ۶۵-۸۰.
۲۷. خان‌محمدی، کریم و معصومه مؤذن. (۱۳۹۴). «انسان‌شناسی قدمگاه». فرهنگ رضوی. سال سوم. شماره یازدهم، صص ۷-۳۸.
۲۸. سعیدی‌زاده، رسول. (۱۳۹۱). «قدمگاه‌های منسوب به امام رضا (ع) در ایران». مجله وقف میراث جاویدان. شماره ۷۹ و ۸۰، صص ۲۱۷-۲۴۶.
۲۹. فروزان‌کیا، اسماعیل و ابراهیم استاجی. (۱۳۸۹). «تجلی آتش در اساطیر و ادیان». پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. پرنیان سخن. صص ۸۴۶-۸۵۴.
۳۰. مهرالزمان نوبان. (۱۳۸۰). «چشمه‌ها، قدمگاه‌ها و درختان نظر کرده». کتاب ماه هنر. ش ۳۱-۳۲، صص ۷۸-۷۹.
۳۲. یعقوبی، عبدالرسول. (۱۳۸۹). «مقدس و نامقدس». معرفت. شماره ۳۴، صص ۴۵-۵۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی